AHMADINEJAD AND FREEDOM OF SPEECH

http://www.ghandchi.com/433-Ahmadinejad-plus.htm

احمدي نژاد و آزادي بيان

سام قندچي

پيش از آغاز اين مقاله اجازه دهيد اشاره كنم كه من از مخالفين جمهوري اسلامي هستم و در واقع درست پس از بقدرت رسيدن احمدي نژاد در انتخابات جمهوري اسلامي، من نوشتم كه جمهوري اسلامي قابل اصلاح نيست و بايستي سرنگون شود [http://www.ghandchi.com/418-sarnegoon.htm]، و من كماكان از تحليل آنروز خود دفاع ميكنم.

.

بنابراين، آنچه كه در زير مينويسم هيچ ربطي به پشتيباني كردن از جمهوري اسلامي يا احمدي نژاد ندارد. اين نوشته نظير بيانيه هاي آنهائي است كه براي متوقف كردن يک اعدام، در دفاع از بدترين جنايت كاران مينويسند، چرا كه با مجازات اعدام مخالفند، بعنوان يک اصل. نكته من در اين نوشتار دفاع از اصل آزادي انديشه است.

عكس العمل دنياي غرب در برابر اظهارات اخير محمود احمدي نژاد رئيس جمهوري اسلامي ايران مرا به ياد عكس العمل اسلامگرايان نسبت به سلمان رشدي در سالهاي 1360 ميياندازد كه بالاخره به فتواي خميني براي قتل رشدي رسيد، بخاطر افكاري كه آن مرد در كتاب آيه هاي شيطاني خود بيان كرده بود. من در دفاع از رشدي به گرات نوشته ام، آنهم زمانيكه اكثر اپوزيسيون ايران در مورد رشدي خاموش بودند [http://www.ghandchi.com/366-Khamenei.htm]. در نتيجه من نيازي نيست كه دفاع خودم ار رشدي را در اينجا تكرار كنم، چرا كه براحتي قابل دسترس علاقمندان است، و در اينجا من كانون توجهم را بر روي احمدي نژاد ميگذارم.

احمدي نژاد گفته است كه درباره وجود هولوكاست ترديد دارد. همچنين وي پيشنهاد كرده است كه اگر اروپائيان معتقدند چنين چيزي واقعيت است، پس آنها ميتوانند حالا يهوديان را از اسرائيل به نقطه اي در اروپا يا آمريكا منتقل كنند. گفته اول وي در اروپا جنايت محسوب ميشود و دومي آشكارا تبعيض آميز و نژاد پرستانه بر عليه يهوديان است. گفتار اول آن چيزي است كه همه خروش در جهان را باعث شده است، يعني انكار تاريخي هولوكاست، همه سوزي يهوديان كه توسط هيتلر در زمان جنگ دوم جهاني انجام شد. و انكار هولوكاست در آلمان و در برخي كشورهاي اروپائي جنايت محسوب ميشود، و حتي برخي نويسندگان هم بخاطر چنين ابراز نظر هائي در گذشته به زندان افتاده اند. آيا من فكر ميكنم كه قوانين اروپا از اين نظر درست هستند؟ مطمئناً من فكر نميكنم كه اين قوانين اروپا درست است، گرچه من قانع هستم كه هولوكاست حقايق انكار ناپذير تاريخي و علمي است كه مطمئناً حقيقت بوده و يكي از بزرگترين جنايات در تاريخ بشريت است.

اما آزادي انديشه به اين معني است كه مردم ميتوانند هولوكاست را مثل هر چيز ديگر انكار كنند. بنظر من دموكراسي هاي سكولار اروپائي در موضع خود در اين مورد در اشتباهند. البته اگر كسي عمل نفرت يا جنايات تنفر نژادي را تبليغ كند، آن شخص بايستي محاكمه شود، اما فقط فكر كردن اينكه هولوكاست اتفاق نيافتاده، هر چند يک انديشه غير علمي و ضد همه واقعيات تاريخي است، اما آزادي انديشه يعني كه چنين كسي نبايستي بخاطر انديشه اش مورد آزار و ايذا قرار گيرد، فقط بخاطر آنكه چيزي كاملاً غلط را باور دارد. البته، اگر انديشه اي برابر خود عمل است، مثل "تهديد كسي بمرگ" يا "پورنوگرافي كودكان،" من آزادي آن را آزادي انديشه تلقي *نميكنم،* و من با محاكمه چنان مجرمي بمثابه جنايتكار موافقم، اما بنظر من انكار يک حقيقت تاريخي، چنين چيزي نيست.

پشتيباني از دموكراسي هاي غربي به اين معني نيست كه من از همه قوانين و عملكرد هاي غرب پشتيباني كنم. مثلاً گرچه من فكر ميكنم به عمل در آوردن آمريكائي تفكيک قوا در قانون اساسي آمريكا بهترين پياده كردن ان تئوري در تاريخ است، اما من فكر ميكنم اينكه رئيس ديوان عالي آمريكا از طرف پرزيدنت تعيين و بوسيله كنگره تأييد ميشود غلط است، و

بنظر من اين مقام خوب است كه انتخابي باشد و هر هشت سال يكبار انتخاب شود. يا اينكه، بنظر من، قوانين اروپا درباره هولوكاست غلط هستند، گرچه من از دموكراسي اروپا و اكثر قوانين آن پشتيباني ميكنم.

در مورد احمدي نژاد، اگر كه وي اسرائيل را با تروريسم يا جنگ تهديد كند، آنوقت من فكر ميكنم كه تعقيب قانوني وي معني دارد. همچنين اگر ما بدانيم كه وي *عمليات* مخفيانه اي بر عليه اسرائيل انجام داده است، آنوقت با او بايستي بنسبت آن *عمل* رفتار شود. اما فقط بخاطر آنكه وي عقيده غلطي درباره يک واقعيت تاريخي دارد، او به يک جنايت كار تبديل نميشود.

البته همه دموكراسي هاي غربي، و دنياي متمدن، ميتوانند به اشتباه وي اشاره كنند، اما مطمئن شويم كه از اين موضوع، جنگ صليبي عليه او راه نيانداز يم، آنگونه كه اسلامگرايان بر عليه سلمان رشدي جنگ مذهبي راه انداختند، ضرفاً بخاطر آنكه عقيده مردي بر عليه پايه اي ترين اعتقادات علمي و تاريخي ما ست.

بله بيائيم و به او بمثابه يک كافر نسبت به عقايد ما بنگريم، و اجازه دهيد كه با اين مرتد، با احترام به حقوق يک مرتد رفتار كنيم، يک كافر نسبت به عقايد مورد احترام ما، برعكس نحوه اي كه جمهوري اسلامي با امثال سلمان رشدي يعني با مرتدين اعتقادات اسلامي رفتار كرد، وقتي كه قانوناً در ايران باصطلاح اصلاح طلب آقاي خاتمي، پول جمع ميكردند تا تيرانداز حرفه اي اجير كنند و سلمان رشدي را بخاطر عقائدش بكشند، عملي كه بروشني ترور*جنايتكارانه* بود، و بوسيله خاتمي متوقف نشد. بله، تفاوت دموكراسي سكولار و جمهوري اسلامي در همين است. بله چه جمهوري اسلامي از نوع احمدي نژاد باشد و چه از نوع خاتمي ، تفاوت در اين است كه ما طرفداران دموكراسي سكولار، به آزادي انديشه احترام ميگذاريم، و اجازه دهيد كه اين را هيچگاه فراموش نكنيم، چرا كه همين اصل ما را از حاميان يک دولت مذهبي فناتيک جدا ميكند.

البته بعنوان رئيس دولت، آقاي احمدي نژاد به اكثر ايرانيان لطمه ميزند، و به گروه مذهبي خود براي بدست آوردن پشتيباني در ميان اعراب بي چيز ياري ميكند، تا از آن نفوذ براي گرفتن امتياز از دولت هاي عرب استفاده كند، و همچنين اين موضع گيري ها به او در جايگاهش بعنوان يک نيروي راديكال كمک ميكند، نه تنها در ميان بخش شيعه عراق، بلكه همجنين در رقابت گروهي خود با القاعده، هر چند شيعيان راديكال هيچگاه نميتوانند در ميان جمعيت سنّي موفق شوند، هر چقدر هم كه سعي كنند، و جمهوري اسلامي هم خود به اين حقيقت خوب واقف است، و احمدي نژاد فقط اميدوار است كه شكافي در ميان مخالفين خود، هم در سطح داخلي و هم در سطح خارجي ايجاد كند، تا كه برعمر حكومت مذهبي جمهوري اسلامي چند صياحي ديگر بيافزايد. اما همه اين ها سياست است و ربطي به آزادي انديشه ندارد.

به اميد رژيمي **سكولار** در ايران،

سام قندچي، ناشر و سردبير
ايرانسكوپ
http://www.iranscope.com
29 آذر 1384
December 20, 2005

مطالب مرتبط:
http://www.ghandchi.com/600-SecularismPluralism.htm
http://www.ghandchi.com/500-FuturistIran.htm

مقالات تنوریک
http://www.ghandchi.com

فهرست مقالات
http://www.ghandchi.com/SelectedArticles.html